





























به آن پیامبر و فرشته است. از این رو علم پیامبر و همچنین علم ائمه علیهم‌السلام علمی حقیقی و الهی است. این معنا در روایات مختلف با بیانات گوناگون بیان گردیده است. در واقع این روایات ریشه و اساس دانش را در علم خدا می‌داند که ائمه علیهم‌السلام به دلیل وظیفه هدایت و پیشوایی از آن برخوردار شده‌اند. بر پایه آنچه گذشت، روایت «إذا حدَّثتکم بشیء فاسألونی من کتاب الله» (کلینی، ۱۳۶۵: ۶۰/۱، ح ۵ و ۳۰۰/۵، ج ۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲۶۹/۱، ح ۳۵۸) فهمیده خواهد شد؛ زیرا فهم آن از سویی به مسئله بطون قرآن و تصدیق آن وابسته است و از جهتی دیگر به وابستگی معارف قرآن با لوح محفوظ، ام‌الکتاب و کتاب مبین و از طرف دیگر به تعدد مجاری آگاهی امام از آن کتاب؛ اضلاعی که نتیجه آن تصدیق وجود معارف الهی و مستور است که قرآن تجلی آن به شمار می‌آید و مسئله امکان آگاهی امام از آن حقایق را تبیین می‌کند و پذیرش سرچشمه و مجاری این آگاهی برای امام را روشن می‌سازد. ختمیت رسالت و پیامبری، مقتضی آن است که علم مربوط به رسالت و نبوت که به تعبیری همان هدایت عام است، با ختمیت پایان یابد (ر.ک: شاکر و برنجکار، فصلنامه کتاب قیم، ۱۳۹۱: ش ۱۱۰/۶-۱۳۰). از این رو هرگونه آگاهی از دین و شریعت تنها از راه خاتم المرسلین محقق می‌شود. این امر اقتضا دارد مبادی و مجاری علم امام به کتاب مبین یا همان لوح محفوظ دو گونه تصویر شود؛ یعنی از یک سو می‌توان تمام علوم امام را علمی خدایی یافت و به تعبیر برخی روایات، آن را امکان علم به تمامی کتاب مبین و ام‌الکتاب و علم الکتاب بیان داشت؛ از سوی دیگر می‌توان بخشی از علوم امام از جمله حلال و حرام و تشریح و تقنین را از جانب پیامبر و به واسطه ایشان دانست، هرچند دانش پیامبر نیز الهی است. این گونه دانش‌ها را به دلیل کسب از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به امر خدا بوده است، می‌توان علوم انتقالی و علوم کسب شده از پیامبر دانست که بی‌گمان شأن و جایگاه نبوت و ختمیت رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سبب امکان آگاهی امام از آن علوم بوده است.

### بازتاب علم امام به قرآن

در دوره تابعین، تطبیق معانی آیات بر غیر مورد نزول گسترش یافت؛ چه قرآن از دید اینان ذوبطون بود. از ائمه اطهار به ویژه امام باقر و صادق علیهم‌السلام جلوه‌هایی از معارف

برتر از ظاهر قرآن نمود یافته که در کتاب‌های حدیثی ذکر شده است.<sup>۱</sup> جابر بن یزید جعفی آنگاه که جوایب چرایی تفاسیری متفاوت از امام باقر علیه السلام دربارهٔ یک آیه می‌شود، علت آن را ذوبطون بودن قرآن می‌یابد (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱: ۳۰/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۲/۱). از این رو وی گاه از امام تفسیر باطنی برخی آیات را درخواست می‌کند (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰: ۴۱/۱، ۴۲، ۵۰ و نمونه‌های فراوان دیگر که جابر ناقل آن است). وی همچنین می‌گوید روایاتی شنیده است که امکان بازگویی آن را ندارد. حماد بن عثمان نیز وقتی از علت اختلاف احادیث جستجو می‌کند، پاسخ امام صادق علیه السلام را می‌شنود که نزول قرآن را بر هفت حرف می‌داند و کمترین حق برای امام را آن می‌داند که به هفت وجه فتوا دهد (صدوق، ۱۴۰۳: ۳۵۸/۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۲/۱). این روایات نشان‌دهنده انتقال برخی بطون قرآن به متن جامعه است، چنان که ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام در تفسیر باطنی یکی از آیات سوره حج، کلامی را درمی‌یابد که دیگران توان تحمل آن را نداشته‌اند. حضرت در جواب عبدالله بن سنان در چرایی تفاوت بیان ایشان نسبت به وی و ذریح می‌فرماید: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَبَاطِنًا وَمَنْ يَحْتَمِلُ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحُ!»<sup>۲</sup> (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۵۴۹/۴؛ صدوق، ۱۳۶۱: ۳۴۰). در برخی روایات بطن قرآن به معنای تأویل قرآن دانسته شده است. حضرت امام باقر علیه السلام پس از اشاره به اندراج خروج از ضلالت به سمت هدایت در تبیین آیه «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكُلَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» آن را برترین تأویل آیه می‌داند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۲۱۱/۲؛ برقی، ۱۳۷۱: ۲۳۲/۱). امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «سِرُّ وَافِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ» که دربارهٔ راه مکه و منی است، با وجود

۱. شریف ابوالحسن عاملی فتونی (م. ۱۱۳۸) در مقدمهٔ مجموعهٔ *مرآة الانوار و مشکاة الاسرار* به مسئله اثبات بطن برای قرآن و مسائل آن از جمله جایگاه ائمه علیهم السلام در بطن قرآن پرداخته است. وی با تأکید بر آیات مطرح در مسئله ولایت و امامت معتقد است: «إِنَّ تَمَامَ الْقُرْآنِ أَمَّا أَنْزَلَ لِلرَّشَادِ إِلَيْهِمْ (ائمه علیهم السلام) وَالْإِعْلَامِ بِهِمْ وَبَيَانِ الْعُلُومِ وَالْأَحْكَامِ لَهُمْ وَالْأَمْرَ بِطَاعَتِهِمْ وَتَرْكِ مَخَالَفَتِهِمْ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ جَمَلَةَ بَطْنِ الْقُرْآنِ فِي دَعْوَةِ الْإِمَامَةِ وَالْوَلَايَةِ كَمَا جَعَلَ جِلَّ ظَهْرِهِ فِي دَعْوَةِ التَّوْحِيدِ وَالنَّبُوَّةِ وَالرَّسَالَةِ» (۱۳۷۴: ۳). وی در طولانی‌ترین بخش کتاب خود با نظمی مناسب، با تکیه بر کلیدواژهٔ اصلی روایت، به صورت الفبایی روایاتی را گرد آورده که معارفی عمیق‌تر از ظاهر آیات را بیان داشته‌اند (ر.ک: همان، ۳۴۷-۶۹).
۲. شریف فتونی در ذیل این روایت می‌نویسد: «این کلام از امام علیه السلام دلالتی روشن دارد که ایشان تأویلاتی این گونه را از بیشتر مردم حتی از فردی مثل ابن سنان که از فضیلتی اصحاب است، کتمان می‌فرموده است» (ر.ک: همان، ۷).

نامانی ملموس، مراد از قریه‌ای را که خدا آن را مبارک قرار داده است، اهل بیت علیهم‌السلام معرفی می‌کند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵: ۳۱۱/۸؛ صدوق، ۱۳۸۵: ۹۰/۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۳۱۳/۲، ۳۲۷ و ۳۶۰). گونه دیگر از این نمونه‌ها را می‌توان در ذیل تفسیر آیاتی جست که به موضوعاتی مناشقه‌برانگیز همانند تشبیه و تجسیم خدا، جبر و اختیار انسان و مسئله امامت می‌پردازد (برای مقایسه این‌گونه روایات با روایات اهل سنت در این باره ر.ک: نجمی، ۱۳۸۶: ۱۶۹-۲۵۰). تألیف کتاب *باطن القرآن* به قلم عیاشی که به تبویب احادیث مرتبط، پرداخته است، نشان از انتقال برخی از این معارف تا عصر پس از حضور دارد (ر.ک: طوسی، بی‌تا: ۳۹۹). با این همه آیاتی که تفسیر باطنی یافته و تمام لایه‌های معنایی آن تبیین شده باشد، محدود است و علت آن، شرایط زمان و مکان و مخاطب است.

### نتیجه‌گیری

۱. قرآن با لایه‌های معرفتی گوناگون، مدلول‌هایی فراتر از معنای ظاهری را برمی‌تابد.
۲. پس از انقطاع وحی لزوم آگاهانی از حقایق قرآن امری روشن است.
۳. قرآن از مبادی اصلی دانش امام است. دانش امام به واژگان ظاهری قرآن محدود نیست. بلکه گستردگی آن در آگاهی وی نسبت به بطون و لایه‌های پنهان قرآن است.
۴. از ویژگی‌های انحصاری ائمه علیهم‌السلام، علم به هر دو بُعد ظاهر و باطن قرآن است و تعاملی دو سویه بین قرآن و امام که یکی صامت و دیگری ناطق است، دیده می‌شود.
۵. دانش پیامبر علمی الهی است. آگاهی امام علیه‌السلام و دانش اندوزی دیگران از محضر او، ارتباطی تام با شناخت جایگاه خاتمیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در انتقال علوم نبوی به هادیان پس از خود دارد. از این رو امام دانش خود را به قرآن و حقایق آن، از پیامبر دریافته است.
۶. با توجه به جاودانگی قرآن و در بر داشتن دانش گذشته و آینده، مجاری آگاهی به این دانش و تطبیق آیات و آگاهی‌های مرتبط با قرآن، از مبادی و طرقی متعدد به امام انتقال می‌یابد. در حقیقت، مبادی دانش امام، حلقه‌های تحقق‌بخش و واسطه‌های تجلی دانش عظیم کتاب مبین و ام‌الکتاب است که قرآن مرتبه نازل شده آن به شمار می‌آید.
۷. در گزارش‌ها و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نمونه‌هایی برجسته از تبیین دانش فراتر از ظاهر الفاظ قرآن را می‌توان دید.



## کتاب شناسی

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، *شرح نهج البلاغه*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، *منہاج السنۃ النبویۃ فی نقض الشیعۃ القدریہ*، تحقیق محمد رشاد سالم، ریاض، قرطبه، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن حنبل، احمد، *المستند*، بیروت، دار الصادر، بی تا.
۵. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، *التحصین*، قم، دار الکتب، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفۃ الاصحاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن عساکر، *تاریخ مدینۃ دمشق*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ ق.
۸. بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بعثت، ۱۴۱۶ ق.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحاسن*، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۱۰. حاکم حسکانی، *شواهد التنزیل*، بی جا، مؤسسۃ چاپ و نشر، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. حاکم نیشابوری، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.
۱۲. حبری کوفی، ابو عبدالله حسین بن حکم، *تفسیر الحبری*، مقدمه و تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، بیروت، مؤسسۃ آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. حرّ عاملی، *وسائل الشیعہ*، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۵. همو، *الدرّ المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. شاکر اشتیجہ، محمد تقی، *منابع علم امام (علیه السلام)*، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. شاکر و برنجکار، «امامت و خاتمیت از دیدگاه قرآن و روایات»، *فصلنامه کتاب قسیم*، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۱۸. شاکر و برنجکار، «حقیقت مصحف فاطمه (علیها السلام) و پاسخ به شبهاتی پیرامون آن»، *فصلنامه پژوهش های اعتقادی کلامی*، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۱ ش.
۱۹. شاکر و برنجکار، «کتاب الجامعه و نقش آن در فرآیند تبیین آموزه های شیعی»، *مجله پژوهش های قرآن و حدیث دانشگاه تهران*، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۲۰. شاکر، «منابع علم امام (علیه السلام)»، *فصلنامه امامت پژوهی*، تابستان ۱۳۹۱، ش ۶.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *الامالی*، بی جا، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲۲. همو، *التخصال*، قم، جامعۃ مدرسین حوزۃ علمیۃ قم، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. همو، *علل الشرائع*، قم، داوری، ۱۳۸۵ ش.
۲۴. همو، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲۵. همو، *معانی الاخبار*، قم، جامعۃ مدرسین حوزۃ علمیۃ قم، ۱۳۶۱ ش.
۲۶. صفار، محمد بن حسن بن فروخ، *بصائر الدرجات*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الكبير*، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۹. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، مشهد مقدس، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی علوم القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. طبری، محمد بن جریر، *دلائل الامامه*، قم، دار الذخائر للمطبوعات، ۱۳۸۳ ق.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، *الامالی*، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. همو، *الفهرست*، نجف، المكتبة المرتضویه، بی تا.
۳۴. عاملی فتونی، ابوالحسن بن محمدطاهر، *مقدمه تفسیر مرآة الانوار*، تهران، چاپخانه آفتاب، ۱۳۷۴ ق.
۳۵. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، *الدرر الباهره*، قم، زائر، ۱۳۷۹ ش.
۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود، *کتاب التفسیر*، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۳۷. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تحقیق احمد عبدالعلیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش.
۳۹. قیومزاده، شاکر، «چیستی روح القدس و آثار آن»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، پاییز ۱۳۹۱ ش.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۴۱. متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق بکری حیاتی و صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. مناوی، فیض التقدیر شرح الجامع الصغیر، تصحیح احمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۴۴. نجاشی، احمد بن علی، *فهرست نجاشی*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
۴۵. نجمی، محمدصادق، *سیری در صحیحین*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۴۶. هلالی کوفی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، قم، الهادی، ۱۴۱۵ ق.